

تحلیل رابطه بین کیفیت فضای میانی و کیفیت های انسانی- محیطی

مورد پژوهش: مجتمع های مسکونی شهرستان بجنورد

آقای دکتر نیاز علی امانی^۱، یوسف محمدی^۲، رضا وطن دوست^۳، یعقوب زمانی^۴، حمید قربانی^۵

نیاز علی امانی کارشناس ارشد مهندسی معماری، دارالفنون بجنورد

یوسف محمدی، کارشناسی معماری در دانشکده دارالفنون بجنورد

رضا وطن دوست، کارشناسی معماری در دانشکده دارالفنون بجنورد

یعقوب زمانی، کارشناسی معماری در دانشکده دارالفنون بجنورد

حمید قربانی، کارشناسی معماری در دانشکده دارالفنون بجنورد

چکیده

فضای میانی به مثابه اتصالدهنده عرصه درون و بیرون در مسکن میباشد. مقاله حاضر درصدد بررسی کیفیت این فضا و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی شهرستان بجنورد است. پرسش اساسی پژوهش این است که "کیفیت فضای میانی چه تأثیری بر شکلگیری کیفیتهای انسانی- محیطی مجتمعهای مسکونی دارد؟" بر همین اساس، کیفیت فضای میانی همچون متغیری مستقل بر کیفیتهای انسانی- محیطی به عنوان متغیری وابسته تأثیرگذار است. بر اساس ادبیات این پژوهش، متغیر وابسته شامل مفاهیم "محرمیت و قلمرو"، "هویت"، "امنیت" و "تعامل اجتماعی" میباشد. برای پاسخ به پرسش تحقیق، ابتدا با مرور سابقه موضوع، مفاهیم و نظریه های مرتبط تحلیل شد. در ادامه جهت ارزیابی الگوی نظری پرسشنامه ای مناسب در میان مجتمع توزیع شد. لازم به ذکر است که این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی -

پیمایشی واز نوع همبستگی است. نتایج حاصل از پژوهش ضریب همبستگی مولفه هویت به میزان ۰.۴۹۴ می باشد که نسبت به مولفه های دیگر از سطح بالایی برخوردار است و بعد از هویت به ترتیب مولفه های محرمیت با ضریب همبستگی ۰.۴۷۱، امنیت با ضریب همبستگی ۰.۳۶۷، کیفیت با ضریب همبستگی ۰.۳۱۹ و آخرین مولفه تعامل با ضریب همبستگی ۰.۱۶۴ می باشد که از کمترین تاثیر برخوردار می باشد.

واژگان کلیدی: فضای میانی، مجتمع های مسکونی، امنیت، هویت، محرمیت، تعامل اجتماعی

1-مقدمه :

قدمت تقسیم بندی درون و بیرون در معماری، به گفته نورالدین (۲۰۰۲) به زمانی بازمیگردد که مردم برای محافظت در برابر تغییرات آب و هوایی، شرایط فیزیکی و سایر نیروهای مزاحم خارجی سرپناه را ایجاد کردند. این سرپناه، اولین تلاش برای این جداسازی درون و بیرون به واسطه معماری بود. متعاقباً فضا با توجه به فرهنگ جامعه تغییر یافت. در نهایت راهکارهای مختلف طراحی و افزایش فعالیتهای انسانی منجر به شکلگیری الگوهای متفاوت آن شد (نورالدین، ۲۰۰۲، ۴۴). در واقع، برقراری ارتباط میان فضای درون و بیرون، از جمله بخشهای ضروری در طراحی سکونتگاههای بشری میباشد که در قالب سلسله مراتب منطقی میان فضای درون و بیرون شکل میگیرد. این ارتباط به واسطه تعریف "فضای میانی" ایجاد میگردد. این فضا به مثابه فضای انتقال میان خانه و خیابان است که در محدوده های مسکونی، شامل قلمرو نیمه خصوصی- نیمه عمومی و در نقش اتصال دهنده عرصه های عمومی و خصوصی میباشد. بررسیها نشان میدهد که در بافتهای کنونی، ارتباط یک واحد مسکونی با فضای عمومی مغشوش است و ارتباط تعریف شدهای میان درون و بیرون وجود ندارد. به بیان گل (۱۳۸۷) در واقع فضاهای مسکونی معاصر در ایران، منفک از فضای بیرون و بدون ارتباط با کوچه، گذر و خیابان شکل میگیرد. حذف عرصه های میانی از جمله عواملی است که از عواقب آن به صورت غیرمستقیم میتوان به از بین رفتن کیفیت محیط زندگی و ایجاد نارضایتی در میان ساکنین اشاره کرد. بیان اهمیت عرصه میانی و تاثیر آن بر شکلگیری سایر کیفیتهای انسانی محیطی در مسکن معاصر از جمله اهداف این پژوهش به شمار